

Handwritten Arabic calligraphy in a highly stylized, cursive script. The text is dense and overlapping, with several small dots scattered around the main body of the writing. The style is characteristic of classical Islamic calligraphy, possibly representing a specific phrase or name.

۲۴ / ۱۰ / ۱۳۸۰

# فنا از دیدگاه اسلام

استاد راهنما:

معلم

دکتر جمشید جعفرپور

015964

استاد مشاور:

دکتر عبدالوهاب شاهرودی

تهیه و تنظیم:

علیرضا کتابدار

۳۹۷۱۰

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول کلیات
۱۲	گفتار اول: هدف از خلقت
۱۳	استفاده از نعمات الهی
۱۴	معنی عبادت
۱۶	تقسیم بندی اوقات
۱۸	استفاده از موسیقی برای ایجاد روحیه و نشاط
۱۹	گفتار دوم: جنبه‌های روانی موسیقی
۲۰	محتوای موسیقی
۲۱	موسیقی، جنبه‌های ملکوتی یا طبیعی
۲۲	موسیقی و لطافت روح
۲۵	گفتار سوم: سیری در تاریخ غنا
۲۵	پیدایش موسیقی در یونان
۲۶	موسیقی و غنا در میان اعراب قبل از اسلام
۲۷	غنا و موسیقی بعد از ظهور اسلام
۳۴	گفتار چهارم: غنا از دیدگاه عامه
۳۴	دیدگاه حنفیه
۳۷	دیدگاه شافعیه
۳۹	دیدگاه شافعیه
۴۰	دیدگاه حنبلیه

## فصل دوم دیدگاه‌ها

۴۵	<b>دیدگاه فیض کاشانی</b>
۴۷	تقسیم غنا به حلال و حرام
۴۹	نظر شیخ انصاری در مورد دیدگاه فیض
۵۱	نظر امام خمینی در مورد دیدگاه فیض
۵۱	<b>دیدگاه محقق سبزواری</b>
۵۳	<b>دیدگاه شیخ انصاری</b>
۵۳	تعریف غنا
۵۵	لهو و لعب
۵۷	تشابه نظر امام خمینی و شیخ انصاری
۵۸	<b>دیدگاه مرحوم اصفهانی</b>
۶۰	اصل رساله مرحوم اصفهانی
۶۱	معنای صحیح غنا و طرب
۶۵	وظیفه کارشناس موسیقی
۶۶	توضیحی درباره غنا و طرب
۶۹	دیدگاه برخی از علماء
۷۲	خلاصه بحث
۷۵	<b>دیدگاه امام خمینی</b>
۷۶	تعریف غنا
۷۸	استثنائات
۸۴	سخنرانی‌ها
۹۳	حرمت مراتب شأنی غنا
۹۴	شیوع موسیقی در بین جوانان

۹۵ غنا و موسیقی در بعد از انقلاب

## فصل سوم: ادله

۹۷ عرف

۹۸ نامگذاری موضوعات احکام

۱۰۲ تفاوت عرف در موضوعات متفاوت

۱۰۵ تشکیل یک انجمن برای تشخیص مصادیق غنا

۱۰۶ مفهوم غنا

۱۰۷ تعاریف متفاوت غنا

۱۱۱ طرب در غنا

۱۱۳ طرب فعلی و شأنی

۱۱۵ شکوفایی غنا در صدر اسلام

۱۱۷ ادله حرمت

۱۱۷ اجماع

۱۱۸ قرآن

۱۲۱ روایات

۱۳۷ ادله عدم حرمت

۱۳۷ نظر اجمالی قائلین به حرمت و قائلین به عدم حرمت

۱۳۸ تغنی در قرآن

۱۴۲ تغنی در مرثیه خوانی

۱۴۶ تغنی در اعیاد

۱۴۷ تغنی در عروسی‌ها

۱۵۳ حدا

۱۵۶ نتیجه‌گیری

## مقدمه :

از جمله مسائلی که از دیر باز آدمی به آن اشتیاق داشته و همیشه زینت بخش مجالس او بوده غنا و موسیقی است که در طی قرون و اعصار متمادی در میان ملل و تمدنهای گوناگون جلوه های دلربایی از خود متجلی ساخته تا جایی که کمتر تمدنی را می توان یافت که خالی از اشکال مختلف غنا و موسیقی باشد . در عین حال با وجود شیوع مصادیق خارجی این پدیده هیچگاه تعریف واضحی که بتوان آنرا به سادگی برای تشخیص مصادیق آن بکار برد ارائه شده است و همیشه در میان علماء و دانشمندان در تعریف آن اختلاف بوده است .

البته در گذشته با توجه به محدود بودن این موسیقی و غنا تنها تعداد کمی از افراد جامعه در معرض آن قرار می گرفتند . اما امروزه و خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران ضرورت تبیین این مسئله بیش از پیش می باشد .

رساله پیش رو تلاشی است در جهت رفع بعضی از غامضات این مسئله و ارائه تعریفی روشن و معیاری گویا در تشخیص مصادیق غنا از غیر غنا و بیان حکم آن . این رساله در سه فصل عرضه می گردد. فصل اول کلیات است که خود شامل چهار قسمت است . نخست هدف از خلقت در این قسمت سعی شده که روشن شود انسان در زندگی روز مره خود نیاز به تفریح و استفاده از نعمات الهی دارد تا با بهره گیری از آرامش و شور حاصله از آن بتواند به سایر اهداف متعالی خود نایل آید .

در قسمت دوم از فصل اول به جنبه‌های روانی موسیقی و تأثیرات مثبت و منفی آن بر انسان می‌پردازیم و اینکه موسیقی خالی از هرگونه محتوا و مفهوم می‌باشد و حالتی که در ما بوجود می‌آید نه معلول موسیقی است بلکه این حالات رسوباتی موجود در روح و روان انسان است و موسیقی تنها وسیله‌ای است برای تلاطم روان آدمی و نمایان شدن این رسوبات. دیگر مسئله‌ای که در این بخش به آن پرداخته شده است این است که موسیقی اگر چه مستقیماً باعث تکامل و رشد آدمی نمی‌شود اما می‌تواند به‌طور غیرمستقیم انسان را در درک بهتر زیبایی‌های هستی کمک کند. سومین بخش از کلیات سیری است در تاریخچه غنا. در این قسمت می‌خوانیم که موسیقی و غنا ابتدا توسط یونانیان که در علم ریاضی نیز چیره دست بودند ابداع شده فیثاغورث، افلاطون و ارسطو از پایه‌گزاران این فن بودند. اما در میان اعراب تا قبل از ظهور اسلام غنا کاملاً شکل بدوی داشته اما با فتح کشورهای دیگر توسط اعراب خلق و خوی کاخ نشینی و رفاه‌طلبی نیز در میان مسلمین رخنه کرد و رفته رفته مجالس عیاشی در میان امرا و سلاطین وقت رایج شد. در دوران خلفای بنی امیه و بنی عباس مسلمانان نیز به این صنعت روی می‌آوردند و به تعلیم و تعلم آن پرداختند. زنان و کنیزکان آوازه خوان زینت بخش محافل شدند. غنا و موسیقی با توجه به استعداد عرب در سرودن شعر و قابلیت‌های بالای زبان عربی به شدت متحول گشت. بشکلی که خوانندگان به سادگی مستمعین خود را تحت تأثیر قرار می‌دادند و آنان را به طرب می‌آوردند.

در آخرین بخش از فصل اول به بررسی دیدگاه اهل سنت در مورد غنا پرداخته شده است. البته اختلاف نظر در بین علماء عامه بسیار شدید است عده‌ای به حرمت،

گروهی به کراهت و دسته ای به اباحه آن حکم کرده اند . حتی به بعضی از ائمه چهارگانه چند قول نسبت داده شده است . هم در حرمت و هم در اباحه آن بشدت مبالغه شده است تا جایی که گفته شده اهل کتاب نیز باید از پرداختن به غنا منع شوند و یا اینکه در خانه رسول خدا کنیزان آوازه خوان وجود داشته است . در هیچ یک از مذاهب چهارگانه نظر واحد و قاطعی را نمی توان یافت و بطور کلی آراء آنها در ۱۱ شکل جمع بندی شده است .

در فصل دوم این رساله به بیان دیدگاههای فقه های بزرگ امامیه در این مسئله پرداخته شده است.

مشهور در بین علماء خصوصاً علماء پیشین حرمت ذاتی غناست . با این وجود در بین علماء خلاف این قول نیز موجود است . در ابتدا به ارائه نظر مرحوم فیض کاشانی پرداخته ایم . ایشان حرمت غنا را ذاتی نمی دانند و معتقدند حرمت آن نه به دلیل ویژگی ذاتی آن است بلکه علت این حکم به سبب مفاهیم باطل و یا افعال حرامی است که غنا را همراهی می کنند. ولی اگر غنا خالی از مفاهیم ناپسند و باطل باشد همچنین هیچ فعل حرامی آن را همراهی نکند، غنا حرام نیست بلکه اگر در مضامین نیکو بکار رود و انسان را به یاد بهشت و یا دوزخ و دیگر امور معنوی بیاندازد نه تنها حرام نیست بلکه بسیار نیکو و پسندیده نیز می باشد . لذا از دیدگاه مرحوم فیض غنا به دو قسم تقسیم می شود : حرام و حلال . و علت حرمت در نوع حرام عارضی می باشد . پس غنای حرام که موضوع حکم شرعی قرار می گیرد تنها آن نوع غنایی است که مقارن فعل حرام خارجی دیگر باشد .



ایشان معتقد است که احادیث وارد بر حرمت نیز منصرف است به غنای رایج در دوران بنی امیه و بنی عباس که غالباً با مجالس میگساری و شرابخوری همراه بوده است. اما امروزه (در عصر ایشان) چون غنا در غیر این مجالس نیز قابل تصور است لزومی ندارد آن حکم (حرمت) را به این نوع غنا نیز تسری می دهیم.

محقق سبزواری نیز بر همین اعتقاد است. وی نیز غنا را به دو قسم حلال و حرام تقسیم می کند. و قائل است احادیثی که در حرمت غنا آمده مربوط به نوع حرام و آنهایی که آن را مباح دانسته در خصوص غنای حلال آمده است.

بر خلاف این دو عالم ربانی شیخ انصاری حرمت غنا را ذاتی دانسته و قائل است غنا تنها یک نوع دارد و آن هم حرام است. او می گوید غنا صوت لهوی است و هر صوت لهوی نیز حرام است. پس نمی توان گفت که غنا دارای دو نوع است نوع حرام و نوع حلال. ایشان معتقد است که غنا از مقوله صوت است و ربطی به معلول آن ندارد. و اگر حتی قرآن و ادعیه نیز با صوت غنائی خوانده شوند حرام می باشند و عذاب مضاعف بر آن مترتب می گردد.

فرق دیدگاه شیخ با مرحوم فیض و محقق سبزواری در این است که شیخ غنا را از مقوله صوت می داند و حرمت آن را با مدلول غنا بی ارتباط می داند و اگر مفهوم باطلی با صوت غیر لهوی خوانده شود حرمت آن نه از باب غناست بلکه علت خاص خود را دارد. اما مرحوم فیض و محقق سبزواری قائلند که حرمت غنا نه از باب لحن آن بلکه از باب معلول آن و یا افعال همراه آن می باشد. یعنی اگر معلول و یا افعال همراه آن حرام بودند غنا نیز حرام و در غیر این صورت غنا نیز حلال است.

چهارمین دیدگاه که در این رساله به آن پرداخته شده نظر مرحوم اصفهانی استاد امام خمینی (ره) می باشد که نظریه ای نوین در این باب ارائه داده است .

ایشان معتقد است که غنا اولاً باید صوت انسان باشد و ثانیاً به علت تناسب بین اجزایش توانایی ایجاد طرب برای متعارف مردم را داشته باشد . سپس ایشان به تفصیل این تعریف پرداخته است و اینکه زیبایی جز تناسب بین اجزاء چیز دیگری نیست و هر آنچه نیکو و حسن است بعلت تناسب بین اجزایش این چنین است .

به اعتقاد ایشان در غنا طرب فعلی ملاک است و اگر غنایی فاقد این ویژگی باشد حرام نیست و یا بهتر بگوییم اصلاً غنا نیست . وی معتقد است که قدرت غنا در ازله عقل بیش از قدرت خمر است و همان طور که یک مسکر باید برای متعارف مردم باعث سکر و مستی شود غنا نیز باید برای متعارف مردم طرب ایجاد کند .

نکته دیگری که دیدگاه ایشان را از سایرین متمایز می کند برداشت ایشان از عرف و معیار تشخیص غنا از غیر غنا است . از دیدگاه ایشان متعارف مردم نمی توانند غنا را از غیر غنا تشخیص دهند بلکه همانطور که در شعر ، اهل فن عروض می توانند خلل در وزن شعر را تشخیص دهند در اینجا نیز اهل فن و کارشناسان صنعت موسیقی می توانند صوت مطربه را از غیر آن تشخیص دهند .

در پنجمین بخش از فصل دوم به بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) درباره غنا می پردازیم .

امام (ره) در تعریف خود از غنا همان اسلوب استاد خود مرحوم اصفهانی (ره) را دنبال می کند اما با این فرق که امام طرف فعلی را معیار نمی داند بلکه قائل است شأنیت طرب در یک صوت کافی است که آن صوت غنا و حرام شود . شراب که حرام

است هم کثیر آن که باعث مستی می شود حرام است و هم قلیل آن که باعث مستی نمی شود. امام نیز معتقد است غنا مختص صوت آدمی است و علت حرمت آن نیز اطراب است. پس اگر صوت غیر انسان باعث طرب شود علت حرمت آن داخل در ادله حرمت نمی شود.

فرق دیدگاه امام و شیخ انصاری نیز در همین است که امام غنا را مختص صوت آدمی، اما شیخ آن را هر صوت لهوی می داند خواه صوت انسان خواه صوت آلات موسیقی.

البته با توجه به اینکه امروز غنا به معنای اعم از صوت آدمی و آلات موسیقی مبتلا به جامعه می باشد ما به بیان نظرات امام درباره موسیقی در قبل و بعد از انقلاب پرداخته ایم.

نظر مبارک امام این است که موسیقی مطلقاً حرام است ولی صداهای مشکوک اشکالی ندارد.

ایشان معتقد است که موسیقی به مانند مواد مخدر رفته رفته ذهن آدمی را تهی می کند و باعث می شود که انسان به تحولاتی که در اطراف خود می گذرد بی تفاوت گردد. ایشان بارها و طی سخنرانی های مکرر بر خطرناک بودن موسیقی و تأثیر نامطلوب آن بر جوانان تأکید کرده اند.

البته باید ذکر کرد که منظور امام تنها موسیقی مطربه است و موسیقی غیر مطربه را از باب صداهای مشکوک می دانند. همچنین در بسیاری از استفتائات و یا سؤالاتی که در جمع خصوصی از ایشان شده بر حلال بودن بسیاری از موسیقی هایی که از صدا و

سیما پخش می شود تصریح کرده اند که خود بیانگر این واقعیت است که ایشان نوع خاصی از موسیقی را مد نظر دارند . موسیقی که بتواند انسان را بی تفاوت کند موسیقی که بتواند ذهن فعال انسان را به یک ذهن بی تفاوت و خموش تبدیل کند .

در فصل سوم و پایانی به بیان ادله حرمت و عدم حرمت پرداخته شده است . البته در ابتدا به علت اهمیت معنای عرف در تشخیص غنای حرام از غیر حرام و یا غنا از غیر غنا به بیان مفهوم عرف و دیدگاه های متفاوت ارائه شده از آن پرداخته ایم . بطور کلی معیار و میزان تشخیص مصادیق یک حکم در زمانی که خود مفهوم آن به اندازه کافی گویا نباشد و دلیل و عامل بارز دیگری ما را در این امر یاری ندهد عرف است .

در غنا نیز با توجه به اجمال مفهوم و اختلاف آراء و عدم وجود دلیل روشن در تشخیص مصادیق آن باید به عرف مراجعه کنیم. اینجا این سؤال مطرح می شود که عرف چیست؟ و چه محدوده ای دارد؟ آیا عرف برداشت متعارف مردم از یک مسئله است و یا اینکه منظور از عرف عده ای متخصص به یک فن خاص می باشد؟ مسئله دیگر اینکه آیا عرف در تمامی جوامع و ملل و ازمنه یکسان است یا خیر؟

در این باب بیان شده است که اولاً عرف در مسائل گوناگون دارای مصادیق گوناگون است . مثلاً در مسئله پوشش وقتی از عرف سخن به میان می آید منظور از عرف متعارف مردم می باشد ولی اگر بخواهیم نظر عرف را در مورد تشخیص نقص فنی یک اتومبیل بدانیم در اینجا منظور از عرف نه همه مردم بلکه عرف میکانیکها منظور می باشند چه آنها هستند که در این مسئله صاحب نظرند و می توانند در مورد نقص فنی یک اتومبیل نظر بدهند . ولی متعارف مردم هرگز نمی توانند ما را در این امر یاری کنند . در

غنا نیز امر بدین شکل است از آنجا که غنا یکی از پیچیده ترین و فنی ترین مسائل هنری است هر فردی نمی تواند درباره آن نظر بدهد و اگر قرار باشد در مورد لهوی بودن و یا مطرب بودن یک صوت نظر عرف را بدانیم عوام الناس نمی توانند به این تشخیص دست یابند. زیرا این امر کاملاً تخصصی است و تنها اهل فن هستند که می توانند ما را در این امر یاری دهند. البته این در مواردی است که طرب شأسی مورد نظر باشد و الا در مورد طرب فعلی هر فردی می تواند با یک بار گوش دادن بگوید که این صوت به او حالت طرب داده است یا خیر. مسئله دیگر که نباید از آن غافل شد تغییر عرف در زمانها و مکانهای گوناگون است. ممکن است برداشتی که عرف از یک کلمه دارد در طول ازمنه متفاوت گوناگون باشد. بعنوان مثال کلمه جانباز را در نظر می گیریم. حدود ۳۰ سال پیش یا کمتر برداشت عرف از این لغات به مانند امروزه نبوده است. در آن عصر منظور از این کلمه به کسی اطلاق می شد که حاضر به دادن جان خود در راه اعتلای هدف خویش می بود. اما برداشت امروز عرف از جانباز آن عده از عزیزانی هستند که در جنگ عضوی از بدن خود را در راه خدا فدا کرده اند. لذا از آنجا که غنا نیز به شکلهای گوناگون و پیچیده عرضه می شود باید انجمنی متشکل از آشنایان به این فن و جمعی از آشنایان به معارف اسلامی و فقها تشکیل شود تا این انجمن بتواند مرزهای روشن و واضحی را برای تشخیص انواع غنا یا موسیقی ارائه دهد. در موارد تردید نیز باید به اصالت برائت مراجعه کرد.

دوم مبحثی که در فصل سوم مورد بررسی قرار گرفته خود مفهوم غنا می باشد.

در قسمت دوم از فصل سوم به جمع بندی تعاریف ارائه شده از غنا پرداخته ایم.

ابتدا نظر اهل لغت بیان شده و چون این تعاریف به اندازه کافی گویا نبوده به تعاریف فقها مراجعه شده است. تعریف معروف چنین است: (الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب) <sup>۱</sup>. تقریباً در تمامی تعاریفی اطراب ملاک قرار گرفته است. پس به بیان معنای طرب پرداخته شده و اینکه طرب عبارت است از نوعی سبکی که در انسان به خاطر حزن یا شادی ایجاد می شود که قابلیت زائل کردن عقل را نیز داراست.

مطلب دیگری که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است نشر فعلیت و یا عدم فعلیت اطراب در غناست. و اینکه در هر دو حالت مکلفین ممکن است دچار اشکال شوند و بهتر است همانطور که مرحوم شیخ انصاری نیز گفته است قید مناسب بودن با مجالس لهو و لعب را به تعریف غنا اضافه کنیم. پس غنا عبارت است از «صوتی که به خاطر تناسب اجزایش قابلیت اطراب داشته باشد و یا اینکه متناسب با مجالس لهو و لعب باشد».

در قسمت سوم از فصل سوم به بیان ادله حرمت غنا پرداخته شده است. و اینکه عمده دلایل حرمت غنا عبارت است از اجماع قرآن و سنت.

در مورد اجماع همانطور که در مباحث اصولی ذکر شده است تنها آن اجماعی قابل استدلال است که به صورت حدس کاشف از قول معصوم باشد. ولی اگر اجماع به استناد دلایلی چون آیات و روایات محقق شده باشد حجت نیست بلکه باید به مستندات آن مراجعه نمود.

واما قرآن، چند آیه در قرآن آمده است که از آنها برای حرمت غنا استفاده می شود.

<sup>۱</sup> نجفی، جواهر الکلام، ج ۲ ص ۴۵.

۱- « فاجتنبوا الرجس من الاوتان و اجتنبوا قول الزور»<sup>۱</sup> که در اینجا قول زور به غنا تفسیر شده است .

۲- «والذین عن الغو معرضون»<sup>۲</sup> در اینجا لغو به غنا تفسیر شده است .

۳- «والذین لا یشهدون الزور و اذا مروا بالغو مروا کراما»<sup>۳</sup>

۴- «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل الناس عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین»<sup>۴</sup> در این آیه لهو الحدیث به غنا تفسیر شده است .

در باب اخبار، روایات به خود به پنج گروه تقسیم شده اند که عبارتند از :

الف : روایات وارده در تفسیر آیات .

ب : روایات مشتمل بر عنوان غنا .

ج : روایات دال بر حرمت مزد زنان آوازه خوان .

د : روایات دال بر حرمت گوش دادن به غنا .

ه : روایات دال بر تحریم تعلیم و تعلم غنا .

و : روایات دال بر حرمت قیمت کنیز آوازه خوان .

آخرین قسمت از فصل سوم به بیان ادله عدمست حرمت ذاتی غنا اختصاص دارد .

ادله عدم حرمت ذاتی عموماً روایات می باشند که بر چند قسمت اند .

<sup>۱</sup> سوره حج ، آیه ۳۰

<sup>۲</sup> سوره مؤمنون ، آیه ۳

<sup>۳</sup> سوره فرقان ، آیه ۷۲

<sup>۴</sup> سوره فرقان ، آیه ۶۳